

بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان

مجتبی ترکرانی*

چکیده

مسأله: قرار گرفتن افراد و گروه‌های مختلف با اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت در کنار هم و لزوم احترام به حقوق همدیگر و همزیستی مسالمت‌آمیز ضرورت طرح و شناخت مدارای اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حل این مسایل خاطر نشان می‌کند.

روش: در این نوشتار برای سنجش مدارای اجتماعی در جامعه مورد مطالعه با استفاده از روش توصیفی و پیمایشی به طراحی مقیاسی چند بعدی بر مبنای مدل کینگ (با ابعاد مدارای عقیدتی، سازمانی، هویتی، رفتاری) پرداخته و با احتساب حجم نمونه به ۳۰۰ نفر، جمعیت نمونه را از افراد ۱۵ سال به بالای سه شهرستان خرم‌آباد، بروجرد و نورآباد به وسیله نمونه‌گیری نسبی - طبقه‌ای انتخاب شده است. با استفاده از پرسشنامه به جمع‌آوری داده‌ها اقدام شده و داده‌ها به وسیله نرم‌افزارهای مربوط تحلیل و گزارش شده‌اند.

یافته‌ها: در جامعه مورد مطالعه، مدارای قومیتی و ملیتی و مدارا در رفتار با مجرمان در سطح متوسط رو به بالا، مدارای جنسیتی، مدارای محلی، مدارای عقیدتی در سطح متوسط و مدارا نسبت به جرم و مدارا در روابط جنسی و مدارای سازمانی در سطح پایینی قرار دارد.

نتایج: میزان شاخص کل مدارای اجتماعی در استان لرستان متوسط رو به پایین است. این نشان‌دهنده آن است که در بعضی از حوزه‌ها (روابط محلی) احتمال پیدایش رفتارهای تضادآمیز و منازعه‌ای بالا بوده و توجه به این شکافها ضروری است.

واژگان کلیدی: مدارای اجتماعی، بردباری اجتماعی، رواداری، تسامح، تساهل، تحمل، مدارا، کینگ و لرستان.

مقدمه و طرح مساله

تساهل در لغت به معنای سهل گرفتن، آسان گرفتن بر یکدیگر و به نرمی با یکدیگر رفتار کردن، رواداری و تحمل هرگونه عقیده و رفتار مخالف است. اما در اصطلاح اجتماعی، به معنای مدارا کردن و خویشتنداری نسبت به عقاید و رفتاری است که ما با آن مخالفیم یا از آن تنفر داریم (نیکفر، ۱۳۷۷).

کلمه تساهل^۱ ابتدا در قرن شانزدهم و در پیوند با شکاف فرقه‌های مذهبی از زبان‌های لاتین و فرانسه وام گرفته شده است. این کلمه در بافت پیدایش خود درست است، نخست بار معنایی نزدیک‌تری به واژه بردباری در برابر سایر عقاید مذهبی به خود گرفت و در طول قرون شانزدهم و هفدهم حکومت‌ها، آئین نامه‌های رفتار تساهل‌آمیز را ابلاغ می‌کردند. در نتیجه این قوانین، تکالیفی مبتنی بر رفتار تساهل‌آمیز نسبت به جامعه مذهبی که تا آن زمان تحت ستم و تعقیب بود، به وجود آمد (هابرماس، ۲۰۰۲).

در زبان انگلیسی، کلمه مدارا^۲ به عنوان نوعی الگوی رفتاری یا فضیلت اخلاقی از تساهل‌ورزی^۳ به عنوان کنش قانونی و اجتماعی تفکیک واضح‌تری یافته است (والزر، ۱۳۸۳). هابرماس مفهوم تساهل را برای هر دو مفهوم به کار می‌گیرد: هم برای نظام حقوقی، تضمین‌گر تساهل و هم در مورد فضیلت اخلاقی و سیاسی در برخورد توأم با تساهل. همان‌طوریکه تاریخ تساهل در غرب نشان می‌دهد تا انقلاب فرانسه، مدارا فقط به مخاطبان متدین مربوط می‌شد. بعد از انقلاب فرانسه است که وارد حوزه‌های سیاسی و اجتماعی شده و در اصول انقلاب فرانسه، (آزادی، برابری و برادری) تجلی می‌یابد و تسامح خود، را به عنوان همتای برادری، برای کنترل خشونت‌های قومی و فرقه‌ای و سیاسی مطرح می‌کند (هابرماس، ۲۰۰۲).

هر جامعه‌ای به نسبت ارتباطش با ملل و اقوام اطراف خویش، داوری و شناختی هر چند خام و ابتدایی از آن جوامع و عقاید در خویش می‌پرورد و هر قومی خوش باورانه و معصومانه، مسلک و مکتب خویش و شنیده‌های حیات خویش را تنها راه موجود و بهترین راه ممکن می‌داند و اینجاست که قوم مداری نخستین جلوه گاه روح دیگر آگاهی فرهنگی است (صدری، ۱۳۷۷: ۱۲۶).

با تشکیل دولت - شهرها یا دولت - ملت‌ها در جوامع غربی و قرار گرفتن گروه‌ها و جوامع در کنار هم، ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز و عادلانه افراد و جوامع و رعایت احترام همدیگر به صورت سؤالی اساسی مطرح شد (والزر، ۱۳۸۳: ۵).

با توجه به موضوع تحقیق نگاهی به وضعیت اجتماعی لرستان می‌نماییم. پس از تبعید رضا شاه در سال ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تغییر و تحول زیادی در زندگی مردم لرستان صورت گرفت؛

1. Toleranz

۲. Tolerance با توجه به اینکه واژه تولرانس از کشورهای غربی وارد منابع علمی شده است. بنابراین هر متفکری به دلایلی در مقابل این واژه غربی، واژه‌های معادل مختلفی به کار برده است. گروهی آن را معادل کلمه رواداری (آشوری ۱۳۸۵، پایا، ۱۳۸۱، نیکفر، ۱۳۷۷) می‌دانند. جمعی دیگر آن را مدارا (نیکفر، ۱۳۷۷، فولادوند، ۱۳۷۷، سروش و شبستری و ملکیان، ۱۳۷۷) و کسانی دیگر آن را تحمل (حنایی کاشانی، ۱۳۸۵)، گروهی آن را تسامح (نراقی، ۱۳۷۷) و تساهل (بشیری، ۱۳۷۴) یا بردباری (فولادوند، ۱۳۷۷) ترجمه می‌کنند که ما در این جا از تمام این واژه‌ها به یک معنا استفاده می‌کنیم.

3. Toleration

زندگی کوچ‌نشینانی مبتنی بر پرورش دام، اقتصاد معیشتی مبتنی بر دامداری و کشاورزی زمان قاجار، دچار دگرگونی شد. سوادآموزی از ۱۳۲۰ به بعد به تدریج در لرستان نیز گسترش یافت، به طوری که بعد از انقلاب اسلامی تعداد فارغ‌التحصیلان دبیرستانی و دانشگاهی به طور چشمگیری افزایش یافته است. چنانچه می‌دانیم سوادآموزی از مهم‌ترین عوامل تحرک اجتماعی است. سوادآموزی باعث افزایش آگاهی و تغییر و تحول در افکار سوادآموختگان شد. یکی دیگر از تحولات لرستان گسترش شهرنشینی است. از سال ۱۳۴۰ به بعد مردم به تدریج به شهرها روی آوردند و در نتیجه شهرنشینی از رشد بی‌سابقه‌ای برخوردار شد. هم‌اکنون بیش از نصف جمعیت لرستان شهرنشین شده‌اند. اما عوامل مختلفی چون الغای نظام ارباب-رعیتی، تقسیم اراضی، امکان پرداختن به مشاغل غیرکشاورزی- دامداری و سوادآموزی رسمی، روی هم رفته باعث تحرک اجتماعی شد و در نتیجه نظام ایلی و قبیله‌ای دگرگون شده است (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۷۹).

جامعه لرستان، جامعه‌ای است که از تنوع و گوناگونی‌های قومی، طایفه‌ای، معیشتی و فرهنگی برخوردار است و این تفاوت‌های قومی، طایفه‌ای، زبانی، سکونتی، نسلی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، باعث به وجود آمدن شکاف‌های اجتماعی متعددی شده است و جامعه‌ای است که در حال گذر از یک جامعه روستایی، عشایری و سنتی به یک جامعه شهری و مدرن می‌باشد بنابراین در صورتی که این شکاف‌های اجتماعی پر نشوند یا بین این شکاف‌ها ارتباط برقرار نشود، یا محیط بوسیله عناصری دیگری پر نشود، می‌توانند این شکاف‌های اجتماعی به تضاد و ستیز و سپس به دگرگونی و فروپاشی منجر شوند (کریمی مله، ۱۳۷۹).

جامعه امروز لرستان، متأثر از پدیده‌های مثل جهانی شدن، ارتباطات، شهرنشینی و مهاجرت برخوردار است و طوایف گوناگون با ارزش‌ها و باورهای مختلف بوده است و این برخوردها چه بسا به خاطر داشتن ارزش‌های متضاد، به نتایج و رفتارهای خشونت‌آمیز می‌انجامد. نیم‌نگاهی به پرونده‌های موجود در دادگاه‌های استان که در زمینه‌های قتل و نزاع‌های طایفه‌ای و محلی، برخوردهای خیابانی، مروری بر صفحات حوادث روز نامه‌ها و مشاهده صحنه‌های خشونت خیابانی (با وجود آنکه متأسفانه آمار دقیقی از آنها وجود ندارد ولی با مشاهده و پرس و جو می‌توانند حدودی به درک این مطلب دست یافت) و نتایج حاصل از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در سال ۷۷ در شهر خرم‌آباد انجام گرفته و وضعیت اعتماد و نوع دوستی و گذشت پایین آمده (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج اول: ۱۳۸۱) همه نشان می‌دهد که در جامعه لرستان، متأسفانه در بسیاری از زمینه‌ها، میزان کمی از تحمل و مدارای اجتماعی وجود دارد و برخوردهای لفظی محلی و خیابانی در این جامعه، به خاطر ضعف فرهنگ مدارا و نبود مکانیسم‌ها نهادی رفع‌کننده خشونت به سرعت، تبدیل به خشونت می‌شود. در این تحقیق درصدد پاسخ به این سوال هستیم که افراد در این جوامع مورد مطالعه تا چه حد در زندگی روزمره‌شان قادر به مدارا هستند و تا چه حد عقیده و رفتار مخالف را تحمل می‌نمایند؟ شناخت ابعاد موضوع مدارا و فهم شکاف اجتماعی‌های فعال موجود در استان، به متفکران و اندیشمندان و سیاست‌گذاران، این امکان را می‌دهد که، پتانسیل‌ها و امکان‌های رفتار منازعه‌آمیز را در این جامعه شناسایی کرده و با برخورد مناسب با این تضادها و شکاف‌ها، مانع از شکل‌گیری برخوردهای خشونت‌آمیز گردند.

سؤالات تحقیق

- ۱- میزان مدارای اجتماعی در بین افراد جامعه مورد مطالعه (استان لرستان) چگونه است؟
- ۲- میزان انواع و ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدارای اجتماعی در استان لرستان چگونه است؟

اهداف تحقیق

- ۱- سنجش میزان مدارای اجتماعی بین افراد در لرستان.
- ۲- شناخت ابعاد و گونه‌های مختلف مدارای اجتماعی در لرستان و طراحی یک مقیاس چند بعدی معتبر بومی برای سنجش مدارای اجتماعی.

منابع و متون تحقیق

پیشینه داخلی تحقیق

- ۱- اولین تحقیق تجربی در این زمینه با عنوان رابطه «نشانگان فرهنگی با بردباری اجتماعی» در دانشگاه شهید بهشتی به عنوان پایان‌نامه دانشجویی کارشناسی ارشد با تلاش خانم ثریا بهمن پور در سال ۷۸ انجام گرفته است. این رساله به بررسی اثر مشخصه‌ها و نشانگان فرهنگی بر میزان تحمل فکری و سیاسی و اجتماعی بر شهروندان تهرانی می‌پردازد. وی با استفاده از یک مدل ترکیبی به سنجش بردباری اجتماعی بر روی شهروندان تهرانی با حجم نمونه ۳۰۰ نفر نمونه پرداخته و به این نتایج دست یافته است: بردباری یک مفهوم چند بعدی است که ابعاد بردباری سیاسی و بردباری اجتماعی و بردباری مذهبی آن قابل تفکیک است. رابطه همبستگی بین بردباری اجتماعی با اقتدارگرایی و جزم اندیشی رابطه منفی و گرایش به بردباری با تحصیلات و تحرک فیزیکی خارجی رابطه همبستگی مثبت است (بهمن پور ۱۳۷۸).
- ۲- پیمایش ملی با نام موج اول ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۷ توسط وزارت فرهنگ ارشاد در تمامی مراکز استان‌های کشور انجام گرفته است. با توجه به این که هدف اصلی این پیمایش، سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های افراد در سطح ملی بوده به مسئله مدارا به طور مستقیم اشاره نشده ولی به متغیرهایی اشاره می‌شود که به نوعی به مدارای اجتماعی مربوط می‌باشند. نتیجه‌ای از تحقیقات مربوط به استان لرستان را در ذیل آمده است:
 - بیش از ۷۵ درصد مردم خرم‌آباد اظهار داشته‌اند که میزان خیرخواهی و کمک به دیگران در بین مردم متوسط و متوسط به پایین است. بیش از ۸۳ درصد معضل ظلم و تبعیض را در جامعه جدی دانسته‌اند.
 - بیش از ۴۷ درصد مردم خرم‌آباد اظهار داشته‌اند که به افراد دارای عقاید مخالف دینی نباید اجازه سخنرانی داد (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: لرستان، ۱۳۸۱) این پیمایش، به صورت پانل تحت عنوان موج اول، موج دوم انجام گرفته است.
- ۳- تحقیق دیگری با عنوان " بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی " توسط سیروس صابر و با همکاری دکتر سراج‌زاده و دکتر شریعتی در سال ۱۳۸۳، بر روی دانشجویان دانشگاه مقدس اردبیلی اردبیل انجام گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین

میزان دینداری با شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن منفی است، یعنی هر چه فرد دین‌دارتر باشد مدارای اجتماعی کمتری خواهد داشت و همچنین دینداری فرد رابطه همبستگی منفی با متغیر، مدارا با جرم، مدارای جنسیتی و مدارای دینی دارا است. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیری در این تحقیق نشان داد که متغیر، نوع دینداری قوی‌ترین متغیر تاثیرگذار بر شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن است (صابر، ۱۳۸۳).

۴- طرح پیمایشی دیگری با عنوان «سنجش گرایش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» در سال ۸۰ در دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم توسط دکتر سراج‌زاده در ۲۰ دانشگاه کشور انجام شد. در بخشی از این طرح، لیست تعدادی از جرایم به افراد داده شد و از آنها خواسته شد که نظرشان را راجع به اهمیت این جرائم، بیان کنند. هدف از طرح این سوالات، تشخیص میزان سخت‌گیری افراد در نگاهشان به جرمهای مختلف است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سخت‌ترین جرم از نظر دانشجویان ایرانی قتل عمد، بعد از آن تجاوز به عنف، لواط، زنا و بعد از آنها اختلاس، زنا، مرد، قاچاق مواد مخدر، اقدام علیه امنیت ملی، جاسوسی، کلاهبرداری، رشوه و دزدی بودند. در ادامه نیز جرائم اخلاقی، عقیدتی سیاسی، نشر مطالب ضد دین، تخریب محیط زیست، پخش فیلم مستهجن، مصرف مواد مخدر، ارتداد، ضرب و جرح، مصرف مشروبات الکلی و قتل غیرعمد قرارداشتند (سراج زاده: ۱۳۸۵).

پیشینه خارجی تحقیق

۱- سازمان فرهنگی یونسکو در سال ۱۹۹۵ روز مشخصی را به عنوان روز تولرانس یا مدارا نامگذاری کرده و اقدام به انتشار بیانیه‌ای با نام بیانیه مدارا کرد که در آن احترام به فرهنگ و آداب و رسوم و اقوام مختلف را جدا از موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها خواستار شده است و همچنین کنفرانس‌هایی را در این زمینه برگزار کرده است.*

۲- مؤسسه‌ای با نام بررسی ارزش‌های جهانی^۱ به مدیریت رونالد اینگه‌هارت، از سال ۱۹۹۰ تا کنون اقدام به انجام پیمایش‌های جهانی در زمینه نگرش‌ها و ارزش‌ها تمام کشورهای جهان به صورت پانل کرده است. در این تحقیقات به بررسی کلیه ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی مردم سراسر جهان پرداخته و طی موجهای مختلف تغییرات این ارزش‌ها را اندازه‌گیری می‌کند. مدارای اجتماعی را می‌توان نیز از طریق بعضی از گویه‌های این تحقیق استخراج کرد. البته این تحقیقات بخاطر اینکه طیف بزرگی از ارزش‌ها در سطح ملی و جهانی را در بر می‌گیرد، نمی‌تواند کاملاً بر مدارای اجتماعی متمرکز باشد و نتایج آن فقط توصیف کلی از متغیرمدارا می‌باشد (سایت اینترنتی WVS)

۳- تحقیق دیگری تحت عنوان «تفاوت‌های اروپائیان در مدارای اجتماعی» با تلاش آقای دیمیتیری ساندو از دانشگاه بخارست رومانی در سال ۲۰۰۲ انجام گرفته است (Sando, 2002). این تحقیق گزارشی از مدارا در اروپای اواخر قرن بیستم را نشان می‌دهد و رویکرد اصلی آن بر مبنای متغیرهایی مانند، عدم

(www. Unesco . org)
1 World Value Survey

تبعیض، فهم زمینه‌ای و مکانیسم‌های نهادی رفع تضادها می‌باشد، که این عناصر، ابعاد اصلی مفهوم مدارا را تشکیل می‌دهند. بر اساس این تحقیق، اروپا از زاویه مدارا، به ۳ قسمت تقسیم می‌کند، پساکمونیسیت، کانولیک، پروتستان، که هر قسمت دارای میزان و نوع خاصی از مدارای اجتماعی است. زمینه کشوری، زمینه پایگاهی، زمینه شخصی اصلی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های شاخص مدارای اجتماعی در این تحقیق می‌باشند. این تحقیق بر مبنای تحلیل ثانویه اطلاعات WVS انجام گرفته است (Ibid).

۴- نمونه دیگر مطالعه پیمایشی در این زمینه توسط اسکات و الثاقب در سال ۱۹۸۰ انجام گرفته و طی آن، نمونه‌ای از کشورهای دانمارک، فنلاند، هلند، بریتانیا، نروژ، سوئد، آمریکا و کویت با هم از لحاظ سخت‌گیری نسبت به جرم مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. بنابر نتایج این پژوهش، در میان کشورهای فوق، کویتی‌ها شدیدترین مجازات‌ها را برای جرایم پیشنهاد کرده‌اند و از نظر ترتیب سخت دانستن جرائم، در همه کشورهای دیگر، جرم‌های خشونت‌آمیز، مواد مخدر، اقتصادی، مالی - سیاسی و جرائم جنسی به ترتیب حائز اهمیت بیشتری بوده و مجازات‌های به نسبت شدیدتری برای آنها پیشنهاد شده، اما کویتی‌ها بعد از جرائم خشونت‌آمیز و با فاصله کمی جرائم جنسی را با اهمیت دانسته‌اند و جرائم مربوط به مواد مخدر، اقتصادی و مالی و سیاسی را در مراتب بعدی قرار داده‌اند.

مفهوم مدارا و ابعاد آن

در ادبیات موضوعی مربوط به مدارا، از واژه‌های زیادی که معادل واژه لاتین Tolerance یا Toleration هستند، سخن می‌رود. گروهی آن را معادل کلمه رواداری (آشوری ۱۳۸۵، پایا، ۱۳۸۱، نیکفر، ۱۳۷۷) می‌دانند. جمعی دیگر آن را مدارا (نیکفر، ۱۳۷۷، فولادوند، ۱۳۷۷، سروش و شبستری و ملکیان، ۱۳۷۷) و کسانی دیگر آن را تحمل (حنایی کاشانی، ۱۳۸۵)، گروهی آن را تسامح (نراقی، ۱۳۷۷) و تساهل (بشیریه، ۱۳۷۷) یا بردباری (فولادوند، ۱۳۷۷) ترجمه می‌کنند و هر یک نیز برای انتخاب این واژه‌های معادل، دلایل خاص خود را دارند. ما در این تحقیق با مقداری تسامح! از همه این واژه‌ها استفاده می‌کنیم؛ چرا که هیچ‌گونه دلیل غالب و مرجحی برای انتخاب یکی از گزینه‌ها به عنوان ترجمه تورلانس وجود ندارد.

در فرهنگ ایرانی، این پدیده به دو صورت "مدارا" و "ایثار" شناخته می‌شوند. تحمل منفی (مدارا) عبارت است از: عدم اذیت و آزار ناهمنوایان و دگراندیشان در جامعه، تحمل مثبت (ایثار) نه تنها شامل عدم آزار مخالفان بلکه شامل ایجاد امکانات و شرایطی می‌شود که در آن رفتار و پندارهای متنوع رشد و ارتقا می‌یابند (مهدی: ۱۳۷۲).

ولتر مقاله مدارا را در فرهنگ فلسفی خود را این گونه آغاز می‌کند «مدارا چیست؟ مدارا نیک‌ترین خصلت آدمی است ما همه سستی‌ها و خطاهای بسیاری داریم. بیاییم حماقت‌های خود را بر همدیگر بخشاییم، این نخستین قانون طبیعی است» (به نقل از نیکفر، ۱۳۷۷) مفهوم نامداراگری در مقابل مداراگری، بعد انتزاعی کمتری دارد. نامدارایی از باوری مشتق شده است که یک گروه خودش، نظام و شیوه زندگی‌اش را بهتر از دیگران بداند و این عمل می‌تواند طیف وسیعی از پیامدها را از نداشتن مدنیت و

ندیدن دیگران، تا تبعیضات نهادین مانند آپارتاید و نسل‌کشی قومی را در برگیرد و نامداری سرانجام به انکار، ارزش‌های بنیادین شخص انسان بر می‌گردد (Unesco, 1994).

اما رواداری یا مدارا از نگاه فلسفی واجد یک ساختار سه وجهی است: نخست آنکه باید بتوان امری را مشخص ساخت که با آن عدم موافقت وجود داشته باشد. دوم آنکه می‌باید ملاحظاتی در کار باشد که مداراگر را به عدم مداخله یا عدم اعمال خشونت و تهدید یا استفاده از زور ترغیب نماید و سوم آنکه خودداری از عمل یا گرایش به خودداری از عمل مداخله باید چیزی فراتر از قبول و پذیرش بدون هر نوع مخالف درونی یا تسلیم و رضای از سر ضعف یا جهل یا بی تفاوتی صرف باشد. از این تعریف استنباط می‌شود که مدارا یک رابطه دو طرفه و اجتماعی است، که فرد را به صورت ذهنی یا عینی با طرف مقابل خود درگیر می‌کند و با آگاهی از این نوع تقابل به این نتیجه می‌رساند که سازش و همزیستی مسالمت‌آمیز و تحمل دیگری مخالف یا متفاوت ضروری است (پایا، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

اما والزر فیلسوف آمریکایی مدارا را بصورت دیگری تعریف می‌نماید:

والزر می‌گوید، اگر مدارا به منزله یک نگرش یا حالت روحی دریافت شود توصیف گر شماری امکانات بالقوه خواهد بود. یکی از معانی ممکن، اول: پذیرش حاکی از تسلیم و رضای تفاوت است، آدمیان به منظور حفظ آرامش و صلح سالیان سال به جان هم می‌افتند و می‌جنگند تا سرانجام بر اثر خستگی از پا در می‌آیند. که والزر این نوع رفتار را رواداری می‌نامد.

دومین نگرش، بی‌اعتنایی، بی‌اختیار و بی‌دردسر نسبت به تفاوت است.

سومین نگرش: نوعی خویش‌تنداری اخلاقی است که حقوق دیگران را در آزادی عمل به رسمیت می‌شناسد.

چهارمین نگرش: بیانگر گشودگی در برابر دیگران و کنجکاو و شاید اشتیاق به شنیدن و آموختن از دیگران است.

پنجمین نگرش: صحنه‌گذاری پر شور و شوق بر تفاوت است که تصدیق زیبا شناختی خواهد بود.

به عبارتی دیگر والزر با ترسیم یک طیف از رفتار و گرایش مدارا گرایانه، باور دارد که فرد در هر جایی از همین طیف قرار گیرد، واجد فصیلت مدارا خواهد بود (والزر، ۱۳۸۳: ۱۶).

یکی از مباحثی که با موضوع مدارا، مرتبط است بحث حوزه خصوصی و حوزه جمعی است. اگر بپذیریم که فرد در زندگی خصوصی خود آزاد است، پس تعیین این مرز محدوده‌ای را مشخص خواهد کرد که فرد در دورن آن آزاد است. به عبارتی میزان مدارای اجتماعی حد و حدود این حوزه را گسترش خواهد بود. مسائلی مانند سقط جنین، اعتقادات و باورها، روابط جنسی، مصرف مشروبات الکلی همه مواردی هستند که بر سر اینکه این مسائل در کدام سوی مرز مدارای اجتماعی قرارگیرند اختلاف نظر جدی وجود دارد (محمدی، ۱۳۷۹: ۱۶).

به مدارا همچنین می‌توان از دو منظر نگاه کرد؛ یکی به عنوان فضیلتش اخلاقی و دیگری به عنوان ارزشی اجتماعی. دیدگاهی که مدارا را به عنوان فضیلت اخلاقی می‌نگرد، جامعه‌ای اخلاقی است که ستون پایه‌های اخلاقی خویش را بر مبنای احترام به دیگری مخالف می‌گذارد و دیدگاهی که مدارا را به عنوان یک ارزش اجتماعی و سیاسی می‌نگرد، از آن به عنوان ملاطی برای همبستگی اجتماعی استفاده می‌کند

که در سایه آن همزیستی مسالمت آمیز بین اقوام، گروه‌ها، احزاب و طبقات مختلف و متفاوت امکان پذیر می‌شود. بنابراین تفاوت رواداری و تحمل از این جا آشکار می‌شود که ما خیلی چیزها را تحمل می‌کنیم بی‌آنکه روا بدانیم. پس روادانستن از موضع توانایی و قدرت است و نه ناتوانی و رواداری توانایی خودداری است، خودداری از تحمیل ارزش‌های خود به دیگران. چه در ذهن و چه در واقعیت بیرونی، تحمل شاید توهین‌آمیز باشد و رواداری اما ارج نهادن به شخصیت و آزادی و انتخاب دیگران است. مفهوم مدارا بیانگر طیفی از شیوه‌های رفتاری در برابر دگر اندیش (ذهنی) و دگرباشی (عینی) است که از تحمل می‌آغازد و به رواداری می‌انجامد (نیکفر، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

لاک در رساله‌اش با عنوان در باب مدارا (۱۳۷۸) از مدارا چنین دفاع می‌کند: اعمال عدم رواداری درباره شهروندانی که باور و آیینی، عمدتاً غیر از باور و آیین رسمی جامعه را پذیرفته‌اند عقلانی نیست؛ زیرا نمی‌توان افراد را با زور به قبول باورها اجبار کرد. باور امری قابل تحمیل نیست و هرگونه اصرار در این زمینه به رواج نفاق منجر می‌شود. باورهای اصیل، ریشه در عمق جان افراد دارند و تغییر آنها به معنای تغییر هویت آنان است (پایا، پیشین، ۱۳۳).

هابرماس باور دارد که: کلمه مدارا در زبان انگلیسی به عنوان نوعی الگوی رفتاری یا فضیلت اخلاقی از تساهل ورزی در زبان آلمانی که بیشتر به عنوان یک کنش قانونی به کار می‌رود تفکیک یافته است. ولی می‌توان آن را در هر دو معنا بکار برد. هم برای نظام حقوقی تضمین‌گر مدارا و هم در مورد فضیلت اخلاقی سیاسی در برخورد توأم با مدارا. هابرماس رفتار مداراگر را با رفتاری مدنی یکی نمی‌بیند. رفتار مدنی بیشتر با جنبه، حل و فصل مسائل و رفتار تساهل آمیز اغلب با اجتناب از نزاع‌های عملی هماهنگ است. رفتار مدنی تا زمانی کفایت می‌کند که مجادله طرفین به موضوع‌هایی مربوط می‌شود که بتوان برای حل و فصل آنها، با زبان مشترک تمامی شهروندان، یعنی اخلاق و قانون به تصمیم‌هایی مشروع یا حتی به اجماع دست یافت، ولی اگر باورهای بنیادین طرفین تصادم داشته باشند و برای فرهنگ سیاسی زبان مشترکی وجود نداشته باشد، انتظار اتفاق نظر و وحدت به شکل عقلانی وجود نداشته و نه تنها نیاز به رفتار مدنی بلکه نیاز به مدارا ضروری می‌شود (هابرماس، پیشین). البته هابرماس، که واضع نظریه کنش ارتباطی و گفت و گو است. در جاهای مختلف از گفتگو به عنوان بدیلی برای خشونت و عدم مدارا یاد می‌کند (هابرماس، ۱۳۷۷: ۱۵۷).

پوپر نیز به مدارا از زاویه دیگری می‌نگرد. پوپر بیش از آنکه دل نگران ابعاد دیگر مدارا (سیاسی و دینی) باشد دل‌نگران مدارای عقیدتی است و این موضوع از دغدغه‌های معرفت‌شناسی وی بر می‌خیزد. مدارای عقیدتی به عنوان یک دیدگاه بیش از آنکه به تساهل نسبت به سازمان‌ها، تشکیلات و عقاید پردازد، تساهل را در پیوند با مسئله حقیقت‌یابی بررسی می‌کند مطابق این دیدگاه؛ تساهل عقیدتی، به عنوان ابزاری برای دستیابی به حقیقت نظری در نظر گرفته می‌شود. منطق این دیدگاه مبتنی بر، تصدیق خطاپذیری انسان است که به عنوان اصلی انسان شناسانه فلسفی در تفکر کارل پوپر یافت می‌شود و حاوی پذیرش میزانی از شک دستوری در خصوص درستی اولیه نظریه هاست (بشیریه، ۱۳۷۴). پوپر، همچنین مشکل مدارا را از زاویه عملی طرح می‌کند: هرگاه دو تن موافق هم نباشند، از آن روست که یا عقاید گوناگون دارند، یا منافعشان مختلف است یا هم عقاید و هم منافع مختلف دارند. در زندگی اجتماعی

اختلاف نظرهایی وجود دارند که باید به نوعی درباره آنها تصمیم‌گیری شود و تکلیف این تضادها را روشن کرد. در اینجا اساساً دو راه حل بیشتر وجود ندارد. اگر اختلاف در عرصه عقاید باشد، یکی راه استدلال و گفتگو و دیگری راه خشونت و اگر اختلاف در عرصه منافع باشد، راه حل آن سازش معقول یا تلاش برای حذف قهرآمیز طرف مقابل است (پوپر، ۱۳۷۷).

چهار جوب نظری مفهومی مدارا

وگت (۱۹۹۷) مدارا را یک گرایش رفتاری تعریف می‌کند؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار فهم می‌کند و مدارا در این معنا در مقابل نگرش قرار می‌گیرد (phelps, 2004: 24). سازه مدارا برای وگت از سنت علوم سیاسی می‌آید و او مدارا را پیش‌نیازی برای جامعه مدنی بر می‌شمارد.

وگت با مروری بر کارهای کریک (۱۹۷۱)، کینگ (۱۹۷۶) و کربت (۱۹۸۲) با ادغام کارهای آنها تعریف جدیدی از مدارا ارائه می‌دهد.

از دید او مدارا به سه دسته تقسیم می‌شود که با همدیگر هم‌پوشانی دارند. مدارای سیاسی را مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی با احترام به آزادی‌های مدنی دیگران می‌داند. مدارای اخلاقی را نیز مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی می‌داند. همچنین مدارای اجتماعی را مدارا نسبت به ویژگی‌های مختلف انسانی که از تولد همراه او هستند تعریف می‌کند (phelps, 2004, colesante, 1997).

چیکرینگ و ریسر (۱۹۹۳) گرچه تمرکزشان را بر روی قلمرو اجتماعی قرار می‌دهند ولی مدارا نسبت به عقاید و اعمال دیگران در عرصه خصوصی را نیز بر شمرده‌اند که با دیگر انواع مدارا هم‌پوشانی دارد. آنان بر روی مدارا به عنوان حضور دو موقعیت بین فردی و بین فرهنگی توجه کرده‌اند و به جای رفتار بیشتر بر گرایش تمرکز نموده‌اند (chickering & reisser, 1993).

گلد اشمیت نیز به تقسیم‌بندی مدارا اقدام کرده و آن را به لحاظ تحلیلی به دو دسته فعال و منفعل تقسیم کرده است. علاوه بر آن مدارای فعال را به دو دسته انتزاعی و عینی تقسیم می‌کند. مدارای فعال انتزاعی بدین معناست که فرد به لحاظ گفتاری به مدارا معتقد است و زمانی که به لحاظ رفتاری از خود بروز می‌دهد وارد مرحله مدارای عینی می‌شود و مدارای منفعل حکایت از نوع نگاه بی‌تفاوتی مردم نسبت به همدیگر دارد (Goldschmith, 1972).

مدل کینگ یکی دیگر از مدل‌های مفهومی است که تقریباً تمام ابعاد مدارا را پوشش می‌دهد. کینگ، تساهل را چنین تعریف می‌نماید: ما آنچه را که اصلاً قبول نداریم می‌پذیریم ولی ظاهراً در این تعریف تناقض وجود دارد؛ چرا که متضمن پذیرش چیزی است که رد می‌شود.

به هر صورت کینگ مفهوم تساهل (مدارا) را از رفتارهای مشابه با رفتار مدارا گرایانه تفکیک می‌نماید و برای مدارای اجتماعی چهار بعد قائل می‌شود.

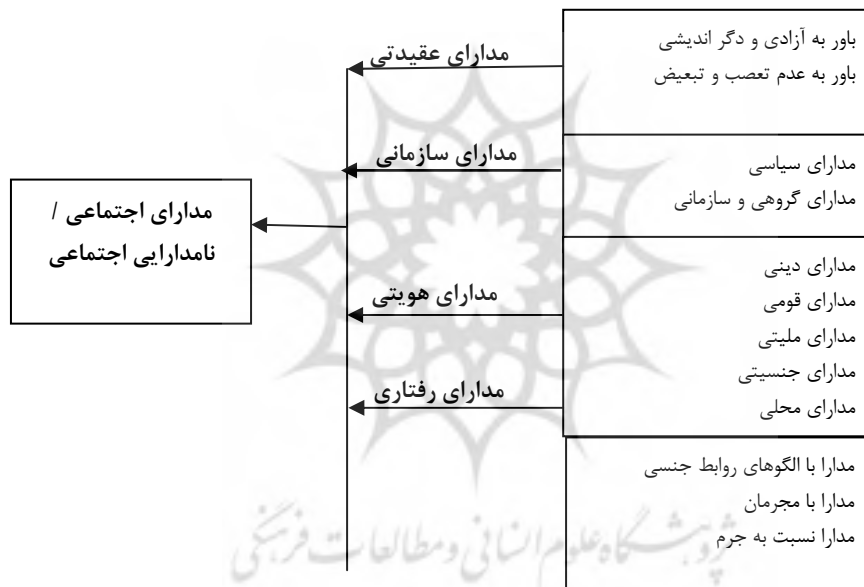
مدارای عقیدتی: مدارا نسبت به وجود یا بیان و یا تبلیغ عقایدی مخالف با عقاید عامل تساهل، مثل باور به دگر اندیشی، نسبی‌گرایی فرهنگی عدم تعصب، باور به آزادی عقیده دیگران (king, 1976: 40).

مدارای سازمانی: این نوع از مدارا، شناسایی حق گردهم‌آیی صاحبان عقاید مختلف و ایجاد نهادهای مربوطه به حل و فصل تضادها و حق اعتراض در قالب نشریات یا راهپیمایی‌ها را می‌پذیرد (Ibid).

مدارای هویتی: اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌های غیراختیاری دیگران مانند ملیت، جنس، نژاد، طایفه، زبان، دین و ... را مدارای هویتی می‌نامند (Ibid).

مدارای رفتاری: مدارا نسبت به رفتارهای مختلف دیگران (قانونی - غیرقانونی) مانند روابط جنسی، رفتار با مجرمان و عدم سخت‌گیری نسبت به بعضی از جرم‌ها در جامعه (Ibid).

بنابراین با توجه به نظریات بالا، اهداف این تحقیق سنجش مدارای اجتماعی را در نظر دارد. بنابراین، مدل کینگ از این جهت که ابعاد مختلف مدارا را بهتر در بر می‌گیرد و می‌توان این مفاهیم را به شاخص‌های عملیاتی بهتری تبدیل کرد، مدل مناسبی سنجش مدارا است، چرا که هم ابعاد ذهنی و نگرشی و هم عینی مدارا در نظر می‌گیرد و قابل انطباق با شرایط مختلف اجتماعی و تاریخی است.



شکل ۱: مدل نظری مدارای اجتماعی

روش شناسی تحقیق

ماهیت روش تحقیق

مدارا به عنوان یک ایده انتزاعی و فلسفی بیشتر شناخته شده است تا یک ایده اجتماعی و عینی و معمولاً آن را به صورت یک رویکرد و نگرش یا یک موقعیت اجتماعی و رفتاری توصیف می‌کنند. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی و پیمایشی است که ضمن انجام عملیات میدانی از پرسشنامه استفاده شده است. با توجه به اینکه جامعه مورد مطالعه ما استان لرستان و واحد مطالعه در این تحقیق فرد است و سنجش میزان مدارا در سطح استان مورد نیاز است. بنابراین نیاز به روشی است که بتواند نتایج آن تعمیم‌پذیر در حیطه استان لرستان باشد. بنابراین با توجه به سابقه تحقیقات انجام شده در داخل کشور

(سراج‌زاده و شریعتی و صابر، ۱۳۸۳؛ بهمن‌پور، ۱۳۷۸) روش پیمایش با طراحی پرسشنامه‌ای که شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه استان در آن لحاظ شده باشد انتخاب شد. در این تحقیق با استفاده از مدل کینگ، مدارای اجتماعی به ۴ بعد مدارای عقیدتی، هویتی، سازمانی، رفتاری تقسیم می‌شود (King, 1976). سپس با توجه به دیدگاه‌های اجتماعی موجود، هر یک از ابعاد مدارا را به متغیرهای مختلفی تقسیم کرده، به طوری که بتواند توصیف‌کننده ابعاد اصلی مدارای اجتماعی باشند. سپس مطابق با سازه‌ها و مفاهیم به دست آمده، متناسب با شرایط اجتماعی استان به عملیاتی کردن گویه، پرداخته شده است.

نمونه‌گیری و تحدید جامعه آماری

بر پایه آخرین تقسیمات سیاسی، استان لرستان متشکل از ۹ شهرستان است. شهرستان‌های استان عبارتند از: الیگودرز، بروجرد، دورود، کوهدشت، ازنا، پلدختر، سلسله، دلفان و خرم‌آباد؛ که خرم‌آباد مرکز استان است. این استان دارای ۲۲ شهر، ۲۶ بخش، ۸۳ دهستان، ۲۸۴۲ پارچه آبادی مسکونی است. لذا، با شناخت و آشنایی نگارنده از شهرهای مختلف استان و درک تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و جغرافیایی این استان، برآورد شد که با توجه مشابهت‌های زبانی و فرهنگی و جغرافیایی، شهرستان‌های زیر در یک گروه قرار گرفته و یکی از شهرستان‌های آن به عنوان شهر نمونه انتخاب شود.

شهرستان انتخابی	شهرستان‌های مشابه به لحاظ زبانی فرهنگی و جغرافیایی
خرم‌آباد	خرم‌آباد-پل دختر
بروجرد	بروجرد-الیگودرز-دورود-ازنا
نورآباد	کوهدشت-نورآباد-الشر

سه شهر از شهرهای استان لرستان؛ خرم‌آباد، بروجرد و نورآباد به عنوان شهرهای نمونه انتخاب شدند، به طوری که بتواند به طور تقریبی پوشش‌دهنده تفاوت‌های زبانی، قومی، فرهنگی و اقلیمی موجود در استان باشد. به همین منظور رده سنی ۶۴-۱۵ جهت نمونه‌گیری به عنوان جامعه آماری انتخاب و با استفاده از فرمول کوکران و محدودیت‌های مالی طرح، حجم نمونه ۳۰۰ نفر انتخاب شده و با به دست آمدن حجم نمونه در کل استان و توجه به اینکه روش نمونه‌گیری ترکیبی طبقه‌ای - متناسب با حجم است به توزیع نمونه‌ها در هر سه شهر به نسبت جمعیت موجود پرداخته و با طبقه‌بندی محلات هر شهر برحسب وضع طبقاتی و انتخاب سه محله از هر طبقه به نمونه‌گیری تصادفی در آن محله بر حسب میزان معین شده پرداخته می‌شود.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

با توجه به اینکه مدارای اجتماعی شامل ۴ بعد است به تعریف هر یک از ابعاد و عملیاتی کردن هر یک از این مفاهیم با گویه‌های متناسب پرداخته شود.

الف) مدارای سیاسی و سازمانی

این نوع مدارا، ناظر به قبول حق اعتراض و پذیرش گروه‌ها یا سازمان‌های است که مورد تایید اکثریت حاکم نمی‌باشد یا پذیرش وجود مکانیسم‌هایی در جامعه به صورت غیرخوشونت‌آمیز تضادهای سیاسی و اجتماعی، را رفع می‌نمایند. این نوع مدارا را با شاخص‌های زیر می‌توان نشان داد:

- ۱- حق اعتراض و تحمل مخالفان: حق اعتراض گروه‌های مخالف سیاسی و مذهبی و پذیرش آن به وسیله نظام حاکم.
- ۲- مکانیسم حل تعارضات: پذیرش مکانیسم‌های غیرخوشونت‌آمیز برای رفع تضادها در جامعه.

ب) مدارای عقیدتی و فکری

این نوع مدارا را می‌توان به تحمل در برابر عقاید و اندیشه‌های مخالف و نوعی آزادمنشی در مقابل دیگران تعریف کرد. مدارای عقیدتی را می‌توان با شاخص‌های زیر نشان داد.

- ۱- اعتقاد به آزادی و برابری آدمیان: اعتقاد به اینکه همه انسان‌ها طبق بیانیه حقوق بشر، حق آزادی مذهب، سکونت، بیان و غیره را دارند و همه با هم برابر هستند.
- ۲- نسبی‌گرایی و عدم مطلق‌گرایی: باور به اینکه فرهنگ و عقاید و باورهای مختلفی در جهان وجود دارد و باید در عین اعتقاد به باورهای خویش به عقاید دیگران نیز احترام بگذاریم.
- ۳- باور به جدایی فرد از عقیده: در جوامع سنتی، هویت انسان با عقیده‌اش پیوند خورده است. در انسان سنتی با عقاید و نظراتش هویت خود را تعریف می‌کند. در حالی که انسان مدرن خود را برتر از عقایدش می‌پندارد (پوپر، ۱۳۷۹).

ج) مدارای رفتاری

مدارای رفتاری را مدارا و تحمل افراد جامعه نسبت به رفتارها و اعمال خلاف قانونی یا خلاف عرف اجتماعی تعریف می‌نمایند. با ۳ شاخص زیر قابل شناسایی است:

- ۱- مدارا نسبت به جرم: میزان جدی دانستن یا قابل تحمل دانستن هر یک از جرم‌های موجود در جامعه.
- ۲- مدارا در روابط جنسی: میزان تحمل روابط جنسی بین افراد جامعه.
- ۳- مدارا با مجرمان: نگاه جامعه به مجرمان و بزهکاران (سراج زاده و دیگران، ۱۳۸۳).

د) مدارای هویتی

مدارای هویتی، میزان تحمل افراد و گروه‌ها با هویت‌های مختلف نسبت به یکدیگر است و به انواع زیر تقسیم می‌شود: مدارای ملیتی، مدارای دینی، مدارای قومیتی، مدارای جنسیتی و مدارای محلی

- ۱- مدارای ملیتی: فرد با فرهنگ و رفتارهای افراد؛ کشورها و ملیت‌های دیگر چگونه برخورد کرده و تا چه حد قادر به پذیرش آنها است.
- ۲- مدارای دینی: فرد با افرادی از مذاهب و ادیان دیگر چگونه برخورد کرده و تا چه حد قادر به پذیرش آنها است.
- ۳- مدارای قومیتی: فرد با افرادی از اقوام کشور چگونه برخورد کرده و تا چه حد قادر به پذیرش آنها است.

۴- مدارای جنسیتی: فرد در رابطه با جنسیت مخالف خود چگونه برخورد کرده و تا چه حد حاضر به پذیرش برابر جنس مخالف است.

۵- مدارای محلی: فرد با اقوام و گروه‌های موجود در محل سکونت خویش (حیطه استان) چگونه برخورد کرده و تا چه حد قادر به پذیرش آنها است.

عملیاتی کرده ابعاد شش گونه مدارای هویتی

با استفاده از شش موقعیت که فرد در روابط خویش با دیگران در آن موقعیت قرار می‌گیرد موضع افراد را در قبال ملیت‌های دیگر، مذاهب و ادیان و اقوام و گروه‌های دیگر مورد سنجش قرار می‌دهیم. این موقعیت‌ها عبارتند از: ازدواج، همسایگی، همسفرگی، شراکت، همنشینی و معامله. ابزار سنجش این متغیرها مقیاس طیف بوگاردوس است که برای تعیین فاصله اجتماعی گروه‌ها به کار می‌رود. بنابراین میزان تمایل فرد به قبول هر یک از این موقعیت‌ها در ارتباط با افراد متعلق به ادیان، اقوام و ملیت‌ها و گروه‌های اجتماعی دیگر نشان‌دهنده میزان مدارای فرد در هر یک از انواع آن خواهد بود. برای مدارای محلی و جنسیتی متناسب با شرایط اجتماعی گویه‌های خاصی طراحی شد.

اعتبار و روایی پرسشنامه تحقیق

از دو روش برای تعیین اعتبار تحقیق استفاده شده است. اول: کسب نظر داوران و کارشناسان متخصص، دوم: انجام پیش‌آزمون در بین تعداد محدودی از افراد جامعه مورد مطالعه (حدود ۴۰ نفر) و انجام تحلیل عاملی بر روی گویه‌های در هر یک از مقیاس‌های مورد نظر، نتایج نشان داد که همه گویه‌های مقیاس از وزن بالایی برخوردار بوده و پرسشنامه از اعتبار درونی بالایی برخوردار است. روایی پرسشنامه به شیوه ضریب روایی تست شد. با تحلیل پرسشنامه‌های پیش‌آزمون مقدار آلفای کرونباخ تحقیق، ۰/۷۵۲ به دست آمد که مقدار مناسبی است و نشان می‌دهد که پرسشنامه از روایی مناسبی برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

این تحقیق بر روی سه شهر خرم‌آباد، بروجرد، نورآباد انجام گرفته است. با توجه به حجم نمونه، میزان افراد موجود در هر یک از گروه‌های نمونه‌ای به ترتیب خرم‌آباد؛ ۵۰ درصد، بروجرد ۴۱ درصد، نورآباد ۹ درصد حجم نمونه است که در این میان ۵۴ درصد از این جامعه را مردان، ۴۶ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. از نظر رده‌های سنی ۲۹ درصد در فاصله سنی ۲۵-۱۵، ۳۵ درصد در فاصله ۳۵-۲۶، ۲۱ درصد در فاصله ۴۵-۳۶، ۱۵/۵۰ درصد در ۴۶-۵۵، ۱۴/۵ درصد در فاصله سنی ۶۵-۵۵ است که با توجه به توزیع جمعیت در ایران که تقریباً ۵۰ الی ۶۰ درصد از جمعیت زیر ۳۵ سال دارند هماهنگ است. با توجه به اینکه مذهب غالب در استان شیعه اثنی‌عشری است (۹۹/۸ درصد مذهب شیعه هستند) تمام جمعیت مورد مطالعه شیعه است. از نظر قومیت‌ها: با توجه به وجود اقوام لک و لر و اندکی غیرلر در استان ۵۵ درصد افراد مورد مطالعه خود را لر معرفی کرده، ۳۰ درصد خود را لک و ۱۵ درصد خود را اقوامی غیر از لر و لک معرفی کرده‌اند. همچنین ۲ درصد از جامعه مورد مطالعه بی‌سواد، ۸ درصد تا سیکل، ۲۵ درصد تا

دیپلم، ۲۶ درصد تا فوق دیپلم، ۳۴ درصد تا لیسانس یا دانشجوی لیسانس، ۵ درصد دارای مدرک فوق لیسانس یا دانشجوی مقطع فوق لیسانس می‌باشند که با توجه به وجود جمعیت جوان تحصیل کرده در جامعه، این ترکیب، تقریباً با رده سنی جمعیت مورد مطالعه و حتی جامعه واقعی نیز هماهنگ است.

یافته‌های مدارای اجتماعی

مدارای رفتاری

مدارای رفتاری: توسط ۳ شاخص (مدارا نسبت به جرم، مدارا با مجرمان، مدارا با رفتارهای جنسی) سنجیده می‌شود. یافته‌های تحقیق در مورد هر یک از شاخص‌ها به شرح زیر است.

الف) مدارا نسبت به جرم

این شاخص به وسیله لیست متشکل از ۱۲ فقره رفتار مجرمانه که میزان تحمل هر یک از جرم‌ها توسط یک طیف ۵ قسمتی (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) سنجیده شده اندازه‌گیری می‌شود. با نمره‌گذاری ارزش گویه‌ها و با داشتن بیشترین و کمترین مقدار نمره برای هر فرد می‌توان محدوده‌های پایین و متوسط و بالا را در سه سطح به شرح زیر چنین تعریف کرد^۱. با توجه به مقیاس ۱۲ گویه‌ای و ۵ ارزشی بالا می‌توان گفت.

کمینه=۱۲-بیشینه=۶۰ ۲۸-۱۲=مدارای پایین ۴۴-۲۸=مدارای متوسط ۶۰-۴۴=مدارای بالا

با محاسبه نمره هر فرد در این شاخص، درصد میزان افرادی که میزان مدارای آنها نسبت به این جرم‌ها در ۳ سطح بالا قرار می‌گیرند به دست می‌آید و سپس با استفاده از مقادیر به دست آمده، نمره کل برای هر شاخص محاسبه می‌شود. نتایج محاسبه شده برای همه متغیرها در جدول شماره یک تشریح شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ۳/ (بیشینه - کمینه) + کمینه ----- کمینه = محدوده مدارای پایین

۳/ (بیشینه - کمینه) + ۲ کمینه ----- ۳/ (بیشینه - کمینه) + کمینه = محدوده مدارای متوسط

بیشینه ----- ۳/ (بیشینه - کمینه) + ۲ کمینه = محدوده مدارای پایین

(حجم نمونه * تعداد سوالات هر شاخص) / جمع کل نمرات هر متغیر = نمره کل بدست آمده برای هر شاخص از ۵

جدول یک : نمرات و توزیع مولفه های مدارای اجتماعی در سه سطح

نمره از ۵	بالا (درصد)	متوسط (درصد)	پایین (درصد)	مولفه های مدارا
۳/۷۸	٪۳۸	٪۴۵	٪۱۷	ملیتی
۳/۴۵	٪۳۲	٪۴۴	٪۲۴	قومیتی
۳/۱۰	٪۱۸/۳	٪۴۵/۶	٪۳۵/۱	جنسیتی
۲/۹۵	٪۲۵/۴	٪۴۶/۲	٪۳۸/۴	دینی
۲/۳۲	٪۲۳	٪۳۵	٪۴۲	محلی
۲/۲۵	٪۱۷	٪۳۸	٪۴۵	مدارا با جرم
۴/۲۵	٪۶۰/۸	٪۲۴/۲	٪۱۵	مدارا با مجرمان
۲/۱۵	٪۱۵	٪۲۲	٪۶۳	مدارا با روابط جنسی
۳/۲۵	٪۳۲/۵	٪۴۴/۵	٪۲۳	مدارای عقیدتی
۲/۶۵	٪۲۱	٪۳۳	٪۴۶	مدارای سازمانی و سیاسی
۳/۰۱	٪۱۷	٪۴۵	٪۳۸	شاخص کل مدارای اجتماعی

داده های موجود در جدول یک حکایت از آن دارد که ۱۷ درصد از جامعه مورد مطالعه دارای مدارای بالا نسبت به جرم و ۳۸ درصد دارای مدارای متوسط نسبت به جرم و ۴۵ درصد دارای مدارای پایین نسبت به جرم هستند که بیانگر این مطلب است که این جامعه دارای مدارای پایینی نسبت به جرم هستند. این نتایج نشان دهنده میزان پایین مدارای این جامعه نسبت به رفتارهای مجرمانه است. به عبارت دیگر، در چنین جامعه ای، نگاه سخت گیرانه نسبت به جرم های مختلف وجود دارد نتایج این تحقیق با دیگر تحقیقات انجام شده در این مورد در ایران و کشورهای دیگر هماهنگ است (سراج زاده، ۱۳۸۳). همچنین در سؤال دیگری از افراد خواسته شد که ۵ نمونه از جرم های مختلفی را که برایشان غیرقابل تحمل هستند به ترتیب یادداشت نمایند. پاسخ های این سوال نشان می دهد که جرائمی مانند هم جنس بازی، قتل عمد یا زنا، روابط جنسی، توزیع فیلم های سکس، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر به ترتیب به عنوان جرم هایی هستند که نگاه سخت گیرانه ای نسبت به آنها وجود دارد. این موضوع یکی از تفاوت های جوامع اسلامی و جوامع دیگر به خصوص غربی است. نتایج این قسمت با یافته های تحقیقات دیگر (سراج زاده، ۱۳۸۳، اسکات و الثاقب، ۱۹۸۰) هماهنگ است.

اما آن چه که در این تفاوت ها مشاهده می شود تفاوت رتبه بندی جرائم است. در کشورهای غربی به ترتیب جرائم خشونت آمیز و اقتصادی، اخلاقی دارای اولویت می باشد در حالی که در کشورهای مسلمان (کویت) جرائم اخلاقی در رتبه اول نسبت به دیگر جرائم قرار دارد. عده ای مانند اسکات و الثاقب (به نقل از سراج زاده، ۱۳۸۳) علت تفاوت کشورهای اسلامی با سایر کشورها را در مرحله اول ناشی از قانون مجازات اخلاقی سپس، نقش مذهب در خاورمیانه می دانند. ملاحظه می شود که جرائم جنسی از جمله جرائمی هستند که بیشترین پنداشت سخت گیرانه نسبت به آنها وجود دارد.

ب) مدارا با مجرمان

یکی از شاخص‌های مدارای رفتاری در یک جامعه، نگاه این جامعه به مجرم می‌باشد. اینکه آیا این جامعه، مجرمان را انگل‌هایی می‌داند که باید جهان را از آنها پاک کرد و یا نه موجوداتی که اگر چه خطا کرده‌اند ولی باید حق حیات آنها را به رسمیت شمرد و به اصلاح آنها پرداخت. این شاخص به وسیله دوگویه عملیاتی شده که نتایج آن به شرح زیر است: داده‌های جدول یک نشان می‌دهد که ۶۰/۸ درصد از جامعه مورد مطالعه دارای مدارای بالایی نسبت به مجرم، ۲۴/۲ درصد، دارای مدارای متوسطی نسبت به مجرم و ۱۵ درصد دارای مدارای پایینی نسبت به مجرم هستند. بنابراین میزان مدارا نسبت به مجرمان جامعه مورد مطالعه، بالا می‌باشند و از دیدگاه این جامعه، مجرمان را بیمار می‌دانند نه گناهکار و بنابراین مجرم، شایسته اصلاح و ترمیم است و نه تنبیه.

ج) مدارا نسبت به روابط جنسی

یکی از ابعاد مدارای رفتاری مدارا در روابط جنسی است. تابوهای جنسی یکی از مهم‌ترین مسائل در جامعه لرستان است. بنابراین حساسیت قابل توجهی بر روی رفتارهای جنسی وجود دارد. در مجموع می‌توان گفت: با توجه به داده‌های جدول یک، ۱۵ درصد از جامعه مورد مطالعه دارای مدارای بالایی نسبت به روابط جنسی، ۲۲ درصد، دارای مدارای متوسطی نسبت به روابط جنسی و ۶۳ درصد دارای مدارای پایینی نسبت به روابط جنسی است. بنابراین میزان مدارا نسبت به روابط جنسی در جامعه مورد مطالعه، پایین هستند. بنابر این به نظر می‌رسد در میان جوانان، زمینه به سمت پذیرش یک نوع رابطه دوستی قبل از ازدواج میل می‌کند. ولی در مورد تجربه جنسی، مخالفت با این مسئله به صورت جدی وجود دارد.

مدارای عقیدتی

مدارای عقیدتی یا فکری، مدارا را در سطح ارزش‌ها، نگرش‌ها و ذهنیت‌های مدارا جویانه اندازه‌گیری می‌کند، با توجه به نتایج تحقیق طبق جدول یک می‌توان گفت: ۲۳ درصد از جامعه مورد مطالعه دارای مدارای عقیدتی پایین و ۴۴/۵ درصد دارای مدارای عقیدتی متوسط و ۳۲/۵ درصد دارای مدارای عقیدتی بالایی هستند و نتایج بیانگر این مطلب هستند که این جامعه دارای مدارای عقیدتی متوسطی است.

مدارای سازمانی

مدارای سازمانی را میزان پذیرش و تحمل افراد در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی و سیاسی که با هم کار می‌کنند سنجش می‌نماید. با توجه به اینکه این نوع مدارا از یک طرف به افراد و از طرف دیگر به نهادها و سازمان‌های دولتی و سیاسی مربوط است. بنابراین در یک تعامل دو طرفه بین نهادهای اجتماعی و سیاسی و افراد صورت می‌گیرد. با توجه به داده‌های موجود در جدول یک، ۲۱ درصد از جامعه مورد مطالعه دارای مدارای سازمانی بالا، ۳۳ درصد دارای مدارای سازمانی متوسط و ۴۶ درصد دارای مدارای سازمانی پایینی هستند، داده‌های حاصله حکایت از آن دارد که مدارای سازمانی و سیاسی در این جامعه در وضعیت

پایینی قرار دارد به عبارت دیگر جامعه مورد مطالعه از لحاظ میزان تحمل افراد مخالف در درون گروه‌ها، احزاب و سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در حد پایینی قرار دارد.

مدارای هویتی

با توجه به اینکه مدارای هویتی از ابعاد مختلفی مانند (مدارای ملیتی، مدارای دینی، مدارای قومیتی، مدارای محلی، مدارای جنسیتی) تشکیل شده است به سنجش هر یک از این ابعاد می‌پردازیم.

الف) مدارای ملیتی

میزان پذیرش یک فرد خارجی را برحسب موقعیت‌های شش‌گانه در ۶ گویه در یک طیف بوگاردوس اندازه‌گیری می‌شوند. با ارزش‌گذاری گویه‌ها و محاسبه آنها نتایج زیر به دست می‌آید: با توجه به داده‌های جدول یک؛ ۳۸ درصد از جامعه مورد مطالعه، دارای مدارای ملیتی بالا، ۴۵ درصد دارای مدارای ملیتی متوسط و ۱۷ درصد دارای مدارای ملیتی پایینی هستند که این نتایج نشان می‌دهد: میزان مدارای ملیتی در بین جامعه مورد مطالعه، متوسط رو به بالا است. به این معنی که مردم لرستان، یک فرد خارجی را می‌توانند به خوبی تحمل نمایند و تصور آنها از یک فرد خارجی تصور درست و سالمی است و نشانی از بیگانه‌هراسی که بسیاری از شرق‌شناسان در مورد ایرانیان به کار برده‌اند پیدا نیست و به مدد رسانه‌ها و سفر به دیگر کشورها، تصویر مثبتی از مردمان بیگانه در ذهن آنها پدید آمده است.

ب) مدارای قومیتی

میزان پذیرش فرد نسبت به افرادی از اقوام موجود در کشور برحسب موقعیت‌های شش‌گانه در ۶ گویه طیف بوگاردوس اندازه‌گیری می‌شود. با ارزش‌گذاری گویه‌ها و محاسبه آنها نتایج موجود در جدول یک به دست می‌آید. با توجه به داده‌های جدول بالا؛ ۳۲ درصد از جامعه مورد مطالعه، دارای مدارای قومیتی بالا، ۴۴ درصد دارای مدارای قومیتی متوسط و ۲۴ درصد دارای مدارای قومیتی پایینی هستند که این نتایج نشان می‌دهد: میزان مدارای قومیتی در بین جامعه مورد مطالعه، متوسط رو به بالا است. به عبارت دیگر این جامعه افراد موجود در اقوام دیگر کشور را به راحتی تحمل کرده و همزیستی خوبی با اقوام دیگر دارد. البته تفکیک نمرات گویه‌ها آشکار می‌کند که نمره گویه مربوط به ازدواج پایین است که نتیجه این گویه به دلایل متعددی قابل تبیین است که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد.

ج) مدارای دینی

میزان تحمل و مدارای دینی، افراد مورد مطالعه را برحسب گویه‌های ۶ گانه طیف بوگاردوس اندازه‌گیری می‌کند. نتایج به شرح زیر است: با توجه به داده‌های جدول یک، ۲۵/۴ درصد از جامعه مورد مطالعه، دارای مدارای دینی بالا، ۴۶/۲ درصد دارای مدارای دینی متوسط و ۳۸/۴ درصد دارای مدارای دینی پایینی هستند که این نتایج نشان می‌دهد: میزان مدارای دینی در بین جامعه مورد مطالعه، متوسط رو به پایین است. با توجه به نتایج جدول یک می‌توان گفت: میزان مدارای دینی در بین مردم جامعه متوسط رو به

پایین است و مردم این جامعه کمتر مایل به پذیرش یک فرد غیرمسلمان هستند^۱. البته با تفکیک نمره گویه‌ها مشخص می‌شود که نمره گویه‌های مربوط به ازدواج و همسفرگی و شراکت با فرد غیرمسلمان در بین بقیه گویه‌ها نمره پایین‌تری دارد و این نشان‌دهنده حساسیت جامعه لرستان به ازدواج، همسفرگی و شراکت با افراد غیرمسلمان است. این نگرش در مورد غیرمسلمانان را می‌توان، تا حدودی به احکام دین اسلام در مورد غیرمسلمان نسبت داد که ازدواج و همسفرگی و معامله را با آنها مشروط کرده است.

د) مدارای جنسیتی

مدارای جنسیتی را می‌توان میزان پذیرش و تحمل جنسیت‌های مخالف در مقابل یکدیگر تعریف کرد. این شاخص با ۳ گویه سنجیده می‌شود با ارزش‌گذاری گویه‌ها و جمع نمرات آنها نتایج تحلیل به صورت زیر است با توجه به داده‌های جدول یک: ۱۹/۳ درصد از جامعه مورد مطالعه، دارای مدارای جنسیتی بالا، ۴۵/۶ درصد، دارای مدارای جنسیتی متوسط و ۳۵/۱ درصد دارای مدارای جنسیتی پایینی هستند که این نتایج نشان می‌دهد، میزان مدارای جنسیتی در بین جامعه مورد مطالعه، متوسط رو به پایین است. بنابراین می‌توان گفت که مدارای جنسیتی در این جامعه، متوسط رو به پایین است. بنابراین با توجه به این داده‌ها می‌توان گفت که غلبه ارزش‌های پدرسالارانه در این جامعه، زنان را در ذیل مردان تعریف می‌کند و طبیعی است که مردان در موضع قدرت برتر مدارای مناسبی با زنان نداشته و همیشه از زنان انتظار می‌رود که تسلیم مردان باشند و اختلاف‌های بین زن و مرد را با برتری مرد حل نمایند.

ه) مدارای محلی

مدارای محلی به میزان پذیرش و تحمل افراد با هویت‌های مکانی (شهری و روستایی)، هویت‌های زبانی (لک و لرو غیرلر)، نسبت به یکدیگر، تعریف می‌شود^۲. این نوع از مدارا را با ۴ گویه عملیاتی کرده که میزان این شاخص‌ها، نشان‌دهنده میزان مدارای محلی خواهد بود. با توجه به داده‌های جدول یک: ۲۳ درصد از جامعه مورد مطالعه، دارای مدارای محلی بالا، ۳۵ درصد، دارای مدارای محلی متوسط و ۴۲ درصد دارای مدارای محلی پایینی هستند که این نتایج نشان می‌دهد، میزان مدارای محلی در بین جامعه مورد مطالعه، پایین می‌باشد.

شاخص کل مدارای اجتماعی

بعد از محاسبه ابعاد مختلف مدارا با توجه به نمره هر یک از شاخص‌ها به محاسبه شاخص کل مدارای اجتماعی می‌پردازیم. با محاسبه هر یک از ابعاد و مولفه‌های مدارای اجتماعی، میانگین محاسبه شده، نمره

۱. به اعتقاد نویسندگان بعضاً مشاهده شده که در این جامعه حتی تصور درستی از دیگر گرایش‌های اسلامی نیز وجود ندارد.

۲. لازم به ذکر است که این تعریف مفهومی ساخته محقق بوده و برای سنجش مدارای بین گروه‌های محلی بکار می‌رود.

شاخص کل مدارای اجتماعی است. البته لازم به ذکر است که هر یک از مولفه‌ها در این متغیر وزن یکسانی ندارند. بنابراین در گرفتن میانگین لازم است که وزن هر یک از مولفه‌ها مشخص شود. با توجه به اینکه این کار تحقیق مفصل‌تری را می‌طلبد در این تحقیق بیشتر تاکید بر روی میزان هر یک از مولفه‌های تشکیل‌دهنده مدارای اجتماعی است بنابر این به تعیین میزان هر یک از مولفه‌های مدارای اجتماعی بسنده کرد و وزندهی این مولفه‌ها را به تحقیق دیگری واگذار می‌شود همانطوری که در جدول یک مشاهده می‌شود ۱۷ درصد از جامعه مورد مطالعه دارای مدارای اجتماعی بالا و ۴۵ درصد دارای مدارای اجتماعی متوسط و ۳۸ درصد دارای مدارای اجتماعی پایین هستند و همچنین نمره کل نشان می‌دهد که میزان مدارای اجتماعی در کل در این جامعه متوسط رو به پایین است.

تحلیل رگرسیون چندگانه مدارای اجتماعی

با انجام عمل رگرسیون تاثیر متغیرهای زمینه‌ای مستقل (جنسیت، سن، تحصیلات، درآمد سال‌های سکونت در شهر) بر مدارای اجتماعی و ابعاد آن را به وسیله تحلیل رگرسیون چندگانه سنجیده می‌شود. جنسیت: اثر جنسیت بر شاخص مدارای اجتماعی، مدارای جنسیتی، مدارا با جرم، مدارای محلی، مدارای سیاسی، مدارای دینی، مدارا با روابط جنسی معنی دار و منفی است (به عبارتی میزان مدارای اجتماعی زنان کمتر از مردان است) ولی جنسیت بر مدارای قومیتی، مدارای ملیتی و مدارای مجرمان تاثیری ندارد. سن: اثر سن بر مدارای محلی و مدارای سیاسی معنی دار و مثبت است و بر بقیه تاثیر خاصی ندارد. تحصیلات: اثر تحصیلات فرد بر شاخص مدارای اجتماعی، مدارای سیاسی، مدارای عقیدتی، مدارای دینی، مدارا با جرم و مدارای محلی و مدارای جنسیتی معنی دار و مثبت است ولی بر سایر انواع بی اثر است.

درآمد: اثر درآمد بر متغیرهای مدارای اجتماعی، مدارای دینی، مدارا با جرم معنی دار و مثبت است. به عبارتی هر چه افراد در خانواده‌های پردرآمد باشند، دارای مدارای اجتماعی و مدارای دینی و مدارای با جرم بیشتری هستند. ولی بر سایر انواع بی اثر است.

سال‌های سکونت در شهر: اثر تعداد سال‌های سکونت در شهر بر مدارا با جرم، مدارای محلی، مدارای عقیدتی معنی دار و مثبت است و بر بقیه متغیرها اثر خاصی ندارد به عبارت دیگر کسانی که مدت بیشتری در شهر سکونت داشته‌اند دارای مدارای محلی و مدارای عقیدتی و مدارا با جرم بیشتری هستند. ولی بر سایر انواع بی اثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

مدارا از مفاهیمی است که در بسیاری از ابعاد زندگی ما تنیده شده است، در تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست و اخلاق، همه جا نشانی از این موضوع را پیدا خواهیم کرد، مدارا چه بعنوان یک ارزش و یا روش و چه بعنوان یک رویکرد و یا رفتار اهمیت زیادی در زیست روزمره انسان‌ها دارد. با نگاهی به نتایج تحقیق انجام شده می‌توان به ارزیابی مدارای اجتماعی در جامعه مورد مطالعه پرداخت.

مدارای هویتی، رفتاری، سازمانی، عقیدتی، ابعاد و اجزایی از مدارای اجتماعی هستند که توسط این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. وضعیت جداگانه هر یک از این ابعاد و وضعیت کل مدارا می‌تواند نمای تقریباً روشنی از تعاملات و تعارضات موجود در جامعه را آشکار نماید.

مدارای هویتی یکی از ابعاد اصلی مدارای اجتماعی است، هویت‌ها در قالب‌های مختلف (قوم، طایفه، جنسیت، ملت، مذهب) در صحنه تاریخ همیشه در تعامل و برخورد و تضاد بوده‌اند. در این تحقیق براساس شکاف‌های فعال و موجود در جامعه به سنجش مدارای هویتی در زمینه‌های، محلی، قومیت، جنسیت، مذهب، ملیت پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان مدارای جنسیتی، مذهبی و محلی، متوسط رو به پایین است و میزان مدارای قومیتی و ملیتی، متوسط است. به عبارت دیگر افراد موجود در این جامعه افراد قوم‌ها و ملیت‌های دیگر را راحت‌تر تحمل کرده ولی قادر به تحمل مناسب، افرادی از گروه‌های محلی دیگر، جنس دیگر و مذهب دیگر نمی‌باشند.

نگارنده بنا به تجربیات خود معتقد است: فرد در زندگی روزمره، به خاطر وجود فضاهای شهری تنگ و تاریک، محیط‌های اداری دست و پاگیر و مشکلات اقتصادی و مالی و غیره با تنش‌ها و اضطراب‌هایی روبرو می‌شود، این تنش در طول زمان انباشته شده و در جامعه به خاطر آداب و رسوم و فرهنگ و دلایل سیاسی، اجازه تخلیه این فشارهای روانی را به افراد داده نمی‌شود. بنابراین تراکم این تنش‌ها، فرد را عصبی کرده و آستانه تحمل روانی فرد را به شدت پایین می‌آورد. بدین دلیل برخوردهای محلی و خیابانی سریعاً به خشونت و تضاد منجر می‌شود.

از طرف دیگر، جامعه مورد مطالعه یک جامعه در حال توسعه است. این وضعیت گذار باعث می‌شود که در عصر جهانی شدن به وسیله ارتباطات و رسانه‌ها، مشکلات و نابسامانی‌های به شدت خود را در زندگی آنها منعکس نماید و چنین جامعه‌ای به خاطر توسعه نیافتگی در سطح ملی، این توسعه نیافتگی در سطح جهانی را بصورت مضاعفی احساس می‌کند، (احساس عقب ماندگی مضاعف) و به دنبال شخص و گروه خطاکار و مقصری می‌گردند تا گناه توسعه نیافتگی خود را بر گردن او بیاندازند. چنین است هر گروه در برخورد با گروه دیگر او را عامل اصلی عقب افتادگی جامعه‌اش می‌داند (شهری روستایی را عامل مشکلات می‌داند، ساکنان شهرستان‌ها، مرکز نشینان را و ...)، این نوع نگاه، خطاکار دانستن دیگران، باعث افزایش شکاف‌ها بین گروه‌ها در جامعه شده^۱ و کاهش مدارای اجتماعی را باعث می‌شود. علاوه بر این، جامعه لرستان یک جامعه نیمه شهری، نیمه روستایی است؛ یعنی در بسیاری از شهرهای لرستان، به لحاظ فرهنگ شهری و ریخت شهری و ارائه خدمات شهری نتوانسته به استانداردهای یک شهر مناسب دست پیدا کنند. بنابراین با مهاجرت روستاییان به شهرها و نبود مکانیسم‌هایی مناسب برای جذب این مهاجران در فرآیند شهرنشینی، اغلب روند جامعه‌پذیری در فرهنگ جدید به صورت ناقص انجام گرفته و در برخورد با سیستم شهری یا به صورت ناقص جذب شده یا به صورت حاشیه‌ای (فیزیکی و اجتماعی) در کنار

۱. این تفکر، خطاکار دانستن دیگران در اکثر شهرهای استان و در کل ایران نیز به چشم می‌خورد. هر شهری، شهر و فرهنگ دیگر را عامل عقب ماندگی خود می‌داند و خواهان استقلال و جدا شدن یا حداقل تبدیل شدن به یک شهرستان مستقل است.

سیستم اصلی باقی می ماند و به اصطلاح طرد شده باقی می ماند. گروه هایی که به صورت ناقص جذب شده و یا طردشدگان، همیشه دارای تعارضها و تضادهایی با شهروندان ساکن خواهند بود. طبق داده های این تحقیق، نزدیک به ۵۰ درصد از ساکنان شهر، روستاییان مهاجر و تازه واردها را عامل نابسامانی های شهری می دانند. این نظر پاسخگویان را چه درست بدانیم یا غلط، ولی در این نکته تردیدی نیست که فاصله اجتماعی (حداقل ذهنی) زیادی بین افراد شهری و روستایی حاکم است و نگاه آنان به یکدیگر توأم با مدارا نمی باشد.

مدارای جنسیتی در این جامعه یعنی قدرت تحمل، عقاید و باورها و رفتارهای جنس مخالف، متوسط روبره پایین است؛ بدین صورت که در برخورد و تعاملات جنسیت های مخالف تبعیض وجود دارد، مردان و نظام ارزشی جامعه انتظار دارند که همیشه زن در مجادلات کوتاه بیاید و در تعارض های بین زن و مرد، رابطه به نفع مردان خاتمه پیدا کند. البته، زنان امروزه با تغییر در ساختارهای علمی و تکنولوژیکی و اقتصادی و اجتماعی جامعه صاحب قدرت چانه زنی بالایی شده اند، ولی هنوز هنجارها و ارزش ها و ساختارهایی که فرهنگ پدرسالاری را تقویت می کند وجود دارد و تضاد انتظارات بین زن و مرد در این زمینه موجب تعارض و ستیزهایی، حتی در بین افراد تحصیل کرده نیز شده است (آمار طلاق بالا و رجوع به دادگاه ها، شاخص خوبی در این زمینه است).

مدارای رفتاری در این تحقیق در سه زمینه (مدارا با جرم، مدارا در روابط جنسی، مدارا با مجرمان) اندازه گیری شده است.

در زمینه مدارا با جرم، جامعه مورد مطالعه، نگاه سخت گیرانه نسبت به بسیاری از جرم ها دارد؛ یعنی بسیاری از جرم ها را با شدت بالایی رد می کند و حاضر به پذیرش بسیاری از جرم ها در جامعه نیستند. جالب توجه آنکه این جامعه با جرائم جنسی و اخلاقی با شدت بیشتری از جرائم خشونت و اقتصادی مخالف می کند، برخلاف جوامع غربی که با جرائم خشونت بیشتری از جرائم جنسی مخالف هستند. این نگاه سخت گیرانه آنها نسبت به جرم، ریشه در آموزه های دینی اسلام دارد و همچنین، قوانین حقوقی مذهبی که برای بسیاری از این جرم ها مجازات سختی تعیین کرده است.

در زمینه مدارا با مجرمان وضعیت مناسبی وجود دارد. پاسخگویان این تحقیق، مجرمان را قربانیان می دانند که باید بعد از محاکمه آنها به فکر اصلاح آنها بوده و این تفکر یک گام رو به جلو برای ساختن ساختارهای اجتماعی، جرم زدا است.

در زمینه مدارا در روابط جنسی، مدارای جنسیتی این جامعه پایین است؛ یعنی اکثریت جامعه مورد مطالعه، روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده را اصلاً نمی پذیرد و نگاهشان به روابط دوستی بین افراد ازدواج نکرده نیز متوسط رو به پایین است، چنین یافته هایی با واقعیت نیز همخوانی دارد. جامعه لرستان، به خاطر ارزش های دینی و همبستگی قبیله ای خویش همیشه به مسائل جنسی به صورت یک پدیده ناموسی نگاه کرده، بنابراین مدارا را در این زمینه جایز ندانسته است، اگر چه روابط بین زن و مرد، در بین نسل جوان تا حدودی به خاطر تغییر شرایط اجتماعی، عادی شده است.

مدارای سازمانی و سیاسی، میزان تحمل افراد در درون گروه یا سازمان نسبت به دیگری مخالف خود می سنجد. این گروه یا سازمان می تواند یک گروه یا سازمان سیاسی یا اقتصادی، کارگری و فرهنگی باشد.

نتایج داده‌های تحقیق، حکایت از آن دارد که مدارای سازمانی در جامعه مورد مطالعه متوسط رو به پایین است. به عبارت دیگر در درون سازمان‌ها و گروه‌های این جامعه میزان پذیرش و تحمل فرد مخالف پایین است و فرد مخالف در درون سازمان به خوبی تحمل نمی‌شود. سطح سنجش در این تحقیق، فرد بوده است. بنابر نتایج داده‌ها حکایت از عدم تحمل افراد در سازمان است و راجع به میزان تحمل گروه یا سازمان‌های دولتی و غیردولتی نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد. ولی واقعیت آن است که در تاریخ کشور ایران، در درون یک گروه یا سازمان، فرد مخالف به راحتی تحمل نشده و همیشه، فرد مخالف، منزوی یا طرد شده است. فقدان نهادهای مدنی (به عنوان واسطه بین مردم و نهادهای دولتی)، قبیله گرایی افراد، نبود قوانین و قواعد منصفانه و روشن برای رقابت‌های سیاسی، ضعف مکانیسم‌های دموکراتیک و عدم شکل‌گیری کامل جامعه‌پذیری سیاسی فرد، همه باعث شده‌اند که تنش‌های اجتماعی، به سرعت به تنش‌های سیاسی مبدل شده و اعتراضات و مخالفت‌های آرام و مشروع مردمی در نبود مکانیسم‌های مسالمت آمیز دموکراتیک، به خشونت و درگیری منجر شود و مدارای سیاسی و به تبع آن مدارای اجتماعی را در جامعه کاهش می‌دهد.

در پایان، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میزان مدارای عقیدتی متوسط است، بدین معنی که تقریباً نیمی از جامعه مورد نظر، به دیگری حق می‌دهند که ارزش‌ها و نگرش‌های خاص خود را داشته باشد و معتقدند که عقاید دیگری نیز بهره‌ای از حقیقت را دارد و عقاید و مذهب و فرهنگ خود را حق مطلق نمی‌پندارند (نسبی باوری و کثرت‌گرایی)، در اینجا شاید این سؤال پیش بیاید که چگونه در جامعه‌ای که مدارای رفتاری و سازمانی پایین است، مدارای فکری و عقیدتی متوسط است. تحقیقات دنیس چونگ نشان داده است که همواره فاصله‌ای میان گرایش به مدارا و عمل به آن وجود دارد (بهمن پور، ۱۳۸۷: ۹۵) یعنی مردم در صحنه عقیده، معمولاً رادیکال‌تر نظر می‌دهند ولی در صحنه رفتار، محافظه کارانه‌تر عمل می‌کنند و یک پس افتادگی بین عمل و عقیده افراد وجود دارد. بنابراین با توجه به بحث بالا می‌توان انتظار داشت که مدارای عقیدتی این جامعه بالاتر از مدارای رفتاری و سازمانی است.

رویکرد پوپری نیز با توجه به نظریه دیگر ایشان مبنی بر منطق موقعیت می‌تواند تا حدودی تبیین‌گر شرایط جامعه لرستان باشد. در این جامعه، اعتقادات و ارزش‌ها و باورهای وجود دارد که صرف‌نظر از درستی یا نادرستی آنها، فرد، انسانیت و هویت خود را با آنها تعریف کرده است. تعریف کردن هویت انسانی با بعضی از ارزش‌های قبیله‌ای و اجتماعی موجب خشونت می‌شود چرا که با خطر افتادن، ارزش‌های جمعی فرد هویت خود را در خطر می‌بیند و حاضر است برای حفظ آن دست به خشونت بزند در حالی که اگر با نگرش عقلانی و با جداکردن عقیده از هویت فردی و در یک گفتگوی انتقادی با خود و دیگران متوجه می‌شویم که چه بسا بسیاری از این ارزش‌ها و باورها حاصل ذهن محدود و بسته، قوم مدارانه‌ای است که هرگز گوناگونی و تکثر فرهنگ‌های جوامع دیگر را ندیده است و می‌توان در یک گفتگوی انتقادی، عیار این ارزش‌ها و باورها را سنجید.

پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق، جهت بالا رفتن مدارای اجتماعی راه حل‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- به نظر می‌رسد وظیفه سیاست‌گذاران اجتماعی و برنامه‌ریزان است که با تقویت پیوندها و ارزش‌ها میان گروه‌های جامعه و جذب طردشدگان اجتماعی، میزان پایداری آنها را به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیشتر کرده و مدارای اجتماعی را در این گروه‌ها را افزایش دهند. (ذکایی، ۱۳۸۰)
- ۲- ایجاد راه‌هایی برای بالا بردن سرمایه اجتماعی چرا که در یک جامعه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد و آستانه تحمل این جامعه بالاتر بوده و آسان‌تر می‌تواند دیگری مخالف را تحمل کند و مدارای اجتماعی چنین جامعه‌ای بیشتر است (پیران ۱۳۸۳).
- ۳- با توجه به تکثر قومی و زبانی و فرهنگی موجود در استان، ضروری است که صدا و سیمای ملی و محلی در جهت تقویت فرهنگ مدارا، به شناخت و انعکاس این تکثر، گوناگونی و تفاوت‌ها در تولیدات رسانه ای بپردازد.

در راستای افزایش مدارای هویتی و رفتاری

- ۴- ضرورت دارد نظام آموزشی در کتب درسی، مواد آموزشی را در جهت بالابردن سطح تحمل اجتماعی دانش‌آموزان، پرورش و ایجاد فرهنگ، تحمل عقیده مخالف، عدم خشونت و استفاده از گفتگو در انجام کارها بگنجانند.
- ۵- با توجه به تنش‌زا بودن ساختار و فضاهاى عمومی شهر. ضرورت دارد در طراحی فضاهاى عمومی شهر و ارائه خدمات اجتماعی و شهری به تنش‌زدا بودن این برنامه‌ها توجه کافی صورت گیرد.
- ۶- به نظر می‌رسد با توجه به ورود زنان به محیط کار و دانشگاه‌ها و گریزناپذیری ارتباط بین زنان و مردان و مشکل‌زا بودن روابط جنسی و نبود مکانیسم‌های مناسب برای ارضاء نیازهای غریزی و عاطفی جوانان ضرورت تعیین چهارچوبی برای ارضاء روابط جنسی در حدود شرع و عرف از طرف نخبگان دینی و تربیتی و سیاستمداران لازم است.

در راستای افزایش مدارای سازمانی و سیاسی

- ۷- تقویت نهادهای مدنی و گسترش عرصه عمومی و بازشدن دموکراتیک فضای سیاسی کشور به روی عقاید و اندیشه‌های گوناگون، مدارای سیاسی را در جامعه افزایش خواهد داد.

منابع

- امان الهی بهاروند، سکندر، موسیقی در فرهنگ لرستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۴
- بشیریه، حسین، دولت عقل، تهران، نشر علوم نوین، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- بهمن پور، ثریا، بردباری اجتماعی و نشانگان فرهنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی.
- پایا، علی، گفتگو در جهان واقعی، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۱
- پوپر، کارل، اسطوره چهار چوب، ترجمه: علی پایا. طرح نو، ۱۳۷۹
- پیران، پرویز، پیامدهای و واکنش‌های آشکار ناشی از بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم شماره ۱۶، ۱۳۸۴
- دفتر طرح‌های ملی، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج اول، تهران. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱
- گزارش اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی استان لرستان در سال ۱۳۸۱، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان، ۱۳۸۲
- ذکایی، محمد سعید، بررسی تطبیقی سیاست‌های ادغام اجتماعی در اروپا، فصلنامه مطالعات ملی سال سوم، ۱۳۸۰
- سراج زاده، سیدحسین و جواهری؛ فاطمه، نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان؛ تهران؛ دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری، ۱۳۸۳
- سروش، عبدالکریم صراط‌های مستقیم، نشر صراط، تهران، ۱۳۷۷ چاپ اول.
- صدری، احمد، بررسی جامعه‌شناسانه مدارا، مجله کیان (ویژه نامه تحت عنوان دین، خشونت و مدارا). تهران، شماره ۴۵، ۱۳۷۷
- صابر، سیروس؛ سراج‌زاده، سیدحسین و شریعتی، سارا. بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول. شماره ص ۱۱۰ - ۱۴۱، ۱۳۸۳
- کریمی مله، علی، پتانسیل‌های تبدیل رقابت به منازعه سیاسی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی سال سوم. شماره ۹، ۱۳۸۰
- غرب، ادوارد، نابرابری اجتماعی، ترجمه محمد سپاهپوش و احمدرضا غروی‌زاده، تهران: انتشارات معاصر، ۱۳۷۷.
- محمدی، مجید، جامعه مدنی ایرانی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۷
- مهدی، علی‌اکبر: عدم تحمل در فرهنگ ایرانی - اسلامی، کنکاش، دفتر دهم، پاییز ۱۳۷۲.
- نیکفر، محمدرضا، خشونت، حقوق بشر، جامعه مدنی، تهران انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۷
- هابرماس، یورگن کنش ارتباطی؛ بدیل خشونت ترجمه ابراهیم سلطانی، کیان شماره ۴۵، ۱۵۷، ۱۳۷۹.
- والزر، مایکل، در باب مدارا، ترجمه صالح نجفی، تهران. انتشارات شیرازه، ۱۳۸۳
- هید، دیوید تساهل، ترجمه گروهی. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳
- Beach, W. (1947) "The Basis of Tolerance in a Democratic Society", *Ethics*, Vol. 57 (3157-169:).
- Colesante, R. (1997) Narrative and Propositional Approaches to Promoting Moral and Political Tolerance, Doctoral Dissertation, School of Education, University of New York at Albany.
- Dennis Y. (2007) Tolerating on Faith: Locke, Williams, and The Origins of Political Toleration, Dissertation, Department of Political Science, Duke University.

- Dijker, A. & Koomen, W. (2007) Stigmatization, Tolerance and Repair: An Integrative Psychological Analysis of Responses to Deviance, Cambridge: Cambridge University Press.
- Galeotti, Anna E. (2001) "Do We Need Toleration as a Moral Virtue", *Respublica*, Vol.7 (3): 273-292.
- _____6-_____ (2002) Toleration as Recognition, Cambridge: Cambridge University Press.
- Goldschmidt, V. (1972) "Social Tolerance and Frustration: An Analysis of Attitudes toward Criminals in a Changing Arctic Town", presented at: the International Research Committee on the Sociology of Law, Holland, eptember 1972.
- King, P. (1976): *toleration* London, george allen & unwin
- Phelps, E. (2004) White Students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism, Dissertation, New York University.
- UNESCO (1999): *Tolerance: the threshold of peace A teaching / learning guide for education for peace, human rights and democracy*

منابع اینترنتی

- هابرماس (۲۰۰۲) چه هنگام باید با تساهل رفتار کرد؟ درباره رقابت جهان بینی‌ها، ارزش‌ها و نظریه‌های گوناگون، ترجمه فرهاد سلیمانیان
- <http://1384.g00ya.com/columnists/archives/046293.php> (april 2006)
- سراج زاده حسین (۱۳۸۵) دینداری و پنداشت سخت‌گیرانه نسبت به جرم، انجمن جامعه‌شناسی ایران april 2006 (<http://www.isa.org.ir/NewsDes.jsp?NewsID=rbls-xwyl-hjex>)
- Dumitru Sandu (2002) 'EUROPEAN DIFFERENTIATIONS OF SOCIAL TOLERANCE: -April, 2006) (<http://www.sociologieromaneasca.ro/eng/aeee-pdf/sr-rs.aeee.2002.1.pdf>)
- UNESCO (1995) Declaration of Principles on Tolerance, at: <http://www.unesco.org/cpp/uk/declarations/tolerance.pdf> (april 2006)